

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۲۰، پیاپی ۱۰۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

حاکمیت ولات عباسی در تبرستان بر اساس گاهنگاری سکه‌ها و منابع مکتوب^۱

فاطمه قلی‌زاده^۲

حسن کریمیان^۳

جوادی‌نستانی^۴

سیدمهدی موسوی کوهپیر^۵

صفورا برومند^۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

تبرستان پس از حدود یک و نیم سده مقاومت در برابر عرب‌های مسلمان سرانجام در زمان منصور عباسی (۱۵۸-۱۳۷ ه.ق) گشوده شد و از آن پس توسط ولات عباسی اداره گردید. آگاهی ما از والیان این ولایت برگرفته از منابع تاریخی و شواهد سکه‌شناختی است. اما علی‌رغم وجود منابع مذکور تعیین زمان

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2018.19254.1199

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول). fatemehaban@gmail.com

۳. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران. hkarimian@ut.ac.ir

۴. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس. jneyestani@modares.ac.ir

۵. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس. m_mousavi@modares.ac.ir

۶. استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. s.borumand@ihcs.ac.ir

دقیقی زمامداری هریک از والیان به دلیل عدم همخوانی متون با شواهد سکه‌شناختی دشواری‌هایی را فرا روی پژوهشگران قرار داده است. هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که چه عواملی سبب تفاوت اطلاعات مندرج در منابع تاریخی و سکه‌های ضرب شده توسط ولات عباسی در تبرستان گردیده‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال از رویکرد و روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. نتیجه مطالعات حاکی از آن است که اوضاع آشفتۀ سیاسی و اجتماعی در این دوران به دلیل نارضایتی مردم و خاندان‌های محلی در منطقه و همچنین سلسله مراتب اداری حکومت عباسیان منجر به عزل و نصب‌های دائمی ولات از طرف خلفای عباسی می‌شده که می‌تواند دلیلی بر گزارش ناقص یا بعضاً اشتباه در متون تاریخی باشد. از همین رو سکه‌ها را می‌توان به عنوان منابع دست اول و ملاکی دقیق و متقن برای گاهنگاری حکومت ولات عباسی مورد بررسی قرار داد. با بررسی تحلیلی در پژوهش حاضر علاوه بر یافتن پاسخی بر دلایل آشفتگی در گاهنگاری حکومت ولات، فهرست جدید و دقیقی از والیان و زمان حکومت هر یک از آنها در تبرستان نیز ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: سکه‌های عرب - ساسانی، سکه‌های عرب - تبرستانی، ولات عباسی.

مقدمه

علی‌رغم فروپاشی دولت ساسانی، حکمرانی سرزمین‌های شمال کوه‌های البرز کماکان توسط اسپهبدان دابویه^۱ با ضرب سکه‌هایی به سبک سکه‌های ساسانی تا ۱۴۲ ه.ق استمرار یافت. زمان خلافت امویان کوشش‌هایی برای تصرف منطقه صورت پذیرفت اما قدرت امرای محلی و همچنین نفوذناپذیر بودن رشته کوه‌های البرز مانع از نفوذ عرب‌های مسلمان به این منطقه شد. در نهایت، به روزگار حکمرانی منصور عباسی و به سال ۱۴۲ ه.ق، تبرستان فتح و اداره آن به والیان منصوب از طرف خلیفۀ عباسی سپرده شد. پس از این تصرف، ضرابخانه محلی تا چندین سال ضرب درهم‌ها با نام آخرین اسپهبد دابویه را ادامه داد، تا اینکه در ۱۱۲ یزدگردی/ ۱۴۶ ه.ق نام

۱. دودمانی از شاهزادگان ساسانی که از ۲۱ تا ۱۴۱ ه.ق به مدت ۱۱۹ سال بر تبرستان و گیلان فرمانروایی داشتند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۵۵). البته پس از فتح، باز هم مناطق کوهستانی تبرستان تحت تسلط اسپهبدانی چون باوندیان (۷۵۰-۴۵ ه.ق)، قارنیان (قرن اول تا پنجم هجری) و پادوسبانان (۱۰۰۶-۴۵ ه.ق) باقی ماند (نک: رایینو، ۱۳۶۵: ۲۰۲-۲۰۶؛ مهرآبادی، ۱۳۸۷: ۶۱).

وی با نام والی عباسی یعنی «روح بن حاتم» جایگزین شد و ضرب اسامی والیان به خط کوفی و پهلوی ادامه یافت. تاکنون تعداد ۴۳ نام از این والیان عرب یا ایرانی منصوب عباسیان شناخته شده است. سکه‌های ضرب شده توسط برخی از این والیان مشهور به سکه‌های «عرب-تبرستانی»، از جنس نقره و دارای وزن استاندارد و نصف وزن درهم‌های ساسانی است. علاوه بر سکه‌های مزبور، سکه‌های نقره و مسی با تراز اسلامی نیز توسط والیان ضرب شده است. والیان عباسی در تبرستان را در سه گروه می‌توان جای داد: گروهی (۲۳ نفر) که نامشان در منابع مکتوب آمده است. گروهی پنج نفره که اسامی آنها تنها در سکه‌ها دیده می‌شود و پانزده والی که هم سکه‌ها و هم منابع آنها را معرفی می‌کنند. برای دست‌یابی به گاهنگاری درست از حاکمیت ولات عباسی نیاز به بررسی مضامین ضرب شده بر سکه‌هاست. سکه‌های ولات اعم از اسپهبدی و اسلامی شامل مضامین اداری (نام حاکم، تاریخ ضرب و محل ضرب) و مضامین مذهبی (عبارات دعایی به خط پهلوی و آیات قرآنی) می‌باشند که مضامین اداری در این تحقیق برای ما راهگشا هستند. در تحقیق حاضر تعداد ۱۷۹ سکه مطالعه شد که در ده موزه و مجموعه نگهداری می‌شوند.^۱ تعدادی از آنها در برخی کتب و مقالات انتشار یافته که برای سنجش دیگر سکه‌ها از آنها نیز استفاده شده است.

به‌رغم آگاهی ما از تاریخ حکومت هر یک از والیان، بنابر منابع تاریخی و سکه‌ها، مشکل عمده در تعیین زمان دقیق زمامداری هر یک از آنها و عدم همخوانی متون با شواهد سکه‌شناختی است؛ به طوری که گاه اختلاف زمانی بین متون تاریخی باقیمانده از آن دوران با اطلاعات ضرب شده بر مسکوکات امرای عباسی بسیار است. این مسئله در کنار مشکل وجود سرسکه‌های مشابه در یک سال با نام امرای متفاوت عباسی، تنظیم و طبقه‌بندی زمانی حکومت والیان را با دشواری همراه می‌سازد. از آنجا که تنظیم نادرست جدول زمانی حاکمیت ولات، تحلیل‌های تاریخی از تحولات این دوران را با اشکالات اساسی همراه می‌سازد، در نوشتار حاضر تلاش گردیده است تا ضمن بهره‌برداری از شواهد سکه‌شناختی و متون، گاهنگاری صحیحی از این دوره ارائه شود. همچنین به منظور کشف دلایل آشفتگی در این گاهنگاری، اطلاعات و اختلاف منابع مکتوب و شواهد سکه‌شناسانه و ساختار سیاسی و حکومتی دوران فرمانروایی والیان نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. علائم اختصاری موزه‌ها و مجموعه‌ها عبارتند از: موزه ملی ملک (MM)، موزه بانک سپه (SM)، انجمن سکه‌شناسی امریکا (ANS)، موزه فیتز ویلیام (FM)، مجموعه سکه‌های اسلامی دانشگاه توینگن (TC)، مجموعه سکه‌های معرفی شده در کاتالوگ اونوالا (UC)، کاتالوگ سکه‌های جان واکر موجود در موزه بریتانیا (BM)، کاتالوگ سکه‌های شمس اشراق (EC).

روش پژوهش

روش پژوهش در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و با گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه دو نوع سکه به دست آمده از ولات عباسی یکی با تقلید از سکه‌های اسپهبدان و دیگری با تراز اسلامی و استفاده از منابع مکتوب مرتبط با تاریخ محلی تبرستان و جز آن است.

پیشینه پژوهش

در باب سکه‌های عرب-تبرستانی تاکنون مطالعات پراکنده‌ای صورت گرفته که از جمله آنها می‌توان به مقاله‌های رابینو (۱۳۴۲) و چراغعلی اعظمی سنگسری (۱۳۵۲) اشاره نمود که فهرست ولات عباسی و سکه‌های ضرب شده در این دوره را معرفی کرده‌اند. اما به طور دقیق‌تر مسئله عدم تطبیق سکه‌های برجای مانده از ولات عباسی در تبرستان با منابع تاریخی برای نخستین بار توسط مایکل بیتس و در دایره‌المعارف ایرانیکا مورد بررسی قرار گرفت (Bates, 1986). همچنین در سال ۱۳۸۳ مهدی ملک در کتابی با عنوان «اسپهبدان آل دابویه و حاکمان عباسی تبرستان: تاریخ و سکه‌شناسی» به معرفی سکه‌های ولات عباسی و پیشینه تاریخی هر یک از ولات پرداخته، اما در کتاب ایشان جدول گاهنگاری برای حکومت ولات ارائه نشده است (Malek, 2004). همچنین حسن پاکزادیان در کتاب «تاریخ و گاهشماری در سکه‌های تبرستان»، برای گاهنگاری حاکمیت ولات، تاریخ اسپهبدی (سرآغاز حکومت گیل گاوپاره: ۱ اسپهبدی=۲۵ هجری قمری) را پیشنهاد می‌کند که به نظر نگارندگان قابل قبول نبود؛ به خصوص زمانی که سکه‌های عرب-تبرستانی در کنار سکه‌های اسلامی مورد مطالعه قرار می‌گیرند، نادرستی و اشکالات تعیین این مبدأ تاریخی برای گاهنگاری حاکمیت ولات، بیش از پیش روشن می‌شود (برای اطلاعات بیشتر نک: رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳). بنابراین جدول گاهنگاری‌ای که در این مقاله بر اساس تاریخ پسا یزدگردی (با مبدأ مرگ یزدگرد سوم) و با در نظر گرفتن سلسله مراتب اداری پیشنهاد شده کاملاً متفاوت از جدول گاهنگاری ارائه شده در کتاب پاکزادیان است. همچنین نویسنده در فصل سوم کتاب مزبور (حکام عرب حاکم بر تبرستان) تنها به ذکر سالشمار حکومت حکام عرب با تاریخ اسپهبدی و توصیف سکه‌ها (طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سکه‌ها) پرداخته است. در حالی که هدف از نگارش مقاله حاضر تحلیل دلایل آشفتگی در گاهنگاری حاکمیت ولات عباسی با مطالعه منابع مکتوب و مضامین ضرب شده بر سکه‌ها و در نهایت ارائه یک جدول گاهنگاری نسبتاً دقیق از حاکمیت ولات است.

وضعیت سیاسی و اجتماعی حکومت ولات عباسی

عرب‌های مسلمان، پس از براندازی امپراتوری ساسانی با تعدادی امیرنشین کوچک مواجه بودند. مشکل آنها در فتح کامل ایران مواجهه با یک حکومت قوی نبود، بلکه وجود مناطق دوردست متعددی بود که باید به تصرف درمی آمدند (لاپیدوس، ۱۳۸۷: ۷۹). تبرستان از جمله این مناطق بود که سرانجام در عهد عباسیان و در ۱۴۲ ه. ق گشوده شد. در پی این شکست تبرستان جزو ایالات دیوانی عباسیان درآمد و از سوی کارگزارانی که خلیفه می‌گمارد، اداره می‌شد. انتخاب کارگزاران برای کنترل ایالات مختلف برگرفته از نوع نظام سیاسی حاکم در زمان عباسیان است. با توجه به شواهد مکتوب تاریخی، عصر اول عباسی (همزمان با حکومت والیان عباسی در تبرستان)^۱ دوره شکل‌گیری ساختار نظام سیاسی - اداری عباسیان و دوره اقتدار خلیفه و نظام دیوانسالاری وی بوده که در این نوع نظام افراد وفادار به حاکم و توسط وی انتخاب می‌شدند^۲ (فرخندزاده، ۱۳۹۴: ۸۸؛ نیز نک: Levy, 1957: 369). خلیفه اغلب حکومت تبرستان را در یک حوزه اداری شامل چندین ولایت به یک کارگزار می‌داد که ظاهراً امارت وی از نوع «امارت استکفاء»^۳ بوده که در آن، کارگزار انتخاب‌شده از جانب خلیفه علاوه بر سازماندهی سپاه و تعیین مقرری برای آنان، سرپرستی امور قضایی و گماردن قاضیان و امام جمعه، گردآوری خراج، دریافت زکات، پاسداری از دین و دفاع از کیان مسلمانان را برعهده داشت. این نوع امارت عمدتاً برخاسته از شرایط نظامی بود که خلیفه براساس فرمانی منطقه یا مناطقی را به فردی می‌سپرد (نک: ماوردی، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹؛ کانپوری، ۱۳۴۸: ۱۴۲). براساس شواهد سکه‌شناسی وی حق ضرب سکه

۱. در ارتباط با تقسیم‌بندی دوران خلافت عباسیان نک: فرای، ۱۳۸۹: ۸۸-۱۱۱.

۲. در این نوع نظام، همه مقامات تحت تسلط کامل خلیفه بودند و خلیفه تلاش می‌کرد تا استقلال صاحبان قدرت را به حداقل برساند. این امر جابجایی سریع و بی‌ثباتی سیاسی کارگزاران اداری و والیان را در پی داشت (نک: فرخندزاده، ۱۳۹۴: ۸۸).

۳. ماوردی در احکام السلطانه توضیح می‌دهد که زمان عباسیان دو نوع امارت یا فرمانروایی بر سرزمین‌ها وجود داشت: ۱- امارت عام؛ ۲- امارت خاص. امارت عام بر دو گونه است: فرمانروایی سرچشمه یافته از کفایت و به موجب قرارداد مستند به اختیار (امارت استکفاء)؛ و فرمانروایی سرچشمه گرفته از استیلا و به موجب قرارداد ناشی از اضطراب (امارت استیلا) (ماوردی، ۱۳۸۳: ۶۹-۷۰). در تبرستان علاوه بر امارت استکفاء، شاهد امارت استیلا زمان مازیارین قارن نیز هستیم. امارت استیلا زمانی موضوعیت می‌یافت که شخص بدون جلب رضایت خلیفه در منطقه‌ای قدرت را در دست می‌گرفت و خلیفه با صدور حکم امارت به قدرت وی جنبه قانونی و شرعی می‌داد (نک: ماوردی، ۱۳۸۳: ۷۷). مازیار زمانی که از دربار مأمون به تبرستان رفت شروع به نافرمانی از والی خلیفه کرد و سپس توانست قدرت را در کل منطقه به دست بگیرد و مأمون به ناچار ولایت وی را بر تبرستان پذیرفت (نک: ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۲۰۵-۲۲۱؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۶۳-۶۷).

نیز در ولایت مزبور را داشته که در سکه‌ها از وی به عنوان «امیر» یاد شده است. امیر برای کنترل بهتر قلمرو تحت فرمانروایی و با توجه به داشتن ولایت عام، حق داشت که ولات و عاملانی را برای ولایات مختلف تعیین کند تا نظارت مناسبی بر سرزمین‌ها اعمال شود.^۱

در ارتباط با ولایت تبرستان، پس از گذشت یک قرن و نیم از مقاومت مردم و اسپهبدان، حفظ و کنترل منطقه و جمع‌آوری مالیات و خراج آن از اولویت‌های دستگاه خلافت عباسی به شمار می‌آمد. والیان عباسی مابقی امور در هر منطقه را به دست افراد محلی داده بودند و اشراف محلی نیز برای حفظ امتیازات و اراضی خویش با فاتحان می‌ساختند و توانسته بودند امتیازها و پیمان‌های خوبی با اعراب منعقد کنند. برای نمونه همین اشراف محلی، حاضر به جایگزینی بی‌چون و چرای سکه‌های استاندارد عباسیان نشدند و به همین دلیل ولات عباسی ضرب سکه به همان شیوه سابق را ادامه دادند.^۲ مسلم است سکه‌های مزبور تنها برای رفع نیازمندی‌های همان ناحیه ضرب می‌شدند و در خارج از تبرستان کاربردی نداشتند. البته تعهدات میان ولات و اسپهبدان دائمی نبود و اغلب نفوذ و قدرت اسپهبدان عامل بی‌ثباتی سیاسی و شورش‌های متعدد در تبرستان بود. عملکرد والیان در گرفتن خراج و مالیات‌های متعدد و همچنین غصب اراضی روستاییان نیز بر آشفتگی اوضاع می‌افزود.

گاهنگاری حکومت ولات

تبرستان در نیمه قرن دوم هجری به عنوان بخشی از خلافت اسلامی توسط والیان عباسی اداره می‌شد. در مجموع ۴۳ امیر و والی به ولایت تبرستان منصوب شدند که در ادامه براساس منابع مکتوب تاریخی و شواهد سکه‌شناختی معرفی خواهند شد:

ابوالخصیب مَرزُوق السّندی^۳ / **خازم بن خزیمه تمیمی** / **ابوالعباس طوسی** (والیان فاقد سکه): پس از فتح تبرستان ضرب سکه‌های خورشید آخرین اسپهبد دابویهی همچنان ادامه

۱. نک: ماوردی، ۱۳۸۳: ۴۱۸؛ همچنین در تاریخ سنی الملوک الارض والانبیاء (نک به نسخه عربی کتاب الاصفهانی، بی‌تا) و اخبار و لاه خراسان (سلامی، ۱۳۹۰) از این اشخاص به عنوان ولات (ولاه) یا ملوک یاد شده است. در عین حال باید توجه داشت که بر اساس متن منابع مکتوب اعتبار والی و عامل یکسان است. به عنوان اصطلاحی فنی برای «به عنوان عامل منصوب شد» همچنین «ولی» نیز به کار رفته است (اشپولر، ۱۳۸۶: ۸۷).

۲. در این زمان کوهستان‌های شرقی در دست اسپهبدان باوندی و کوهستان‌های مرکزی و غربی تحت تسلط اسپهبدان قارنی بود (مادولونگ، ۱۳۸۹: ۲۸۲-۲۸۳).

۳. ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۷۶.

می‌یابد و منابع مکتوب از والیان تبرستان در طی این سال‌ها نام برده‌اند. ظاهراً ابوالخصیب اولین والی تبرستان بوده که در ۱۴۱ و ۱۴۲ ه.ق به عنوان قائد لشکر مسلمانان وارد تبرستان شد و در آمل دو سال حکومت کرد^۱ (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۷۸؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۵؛ همدانی، بی‌تا: ۱۵۶). پس از وی، خازم به مدت دو سال^۲ (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۷۸^۳؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۵؛ همدانی، بی‌تا: ۱۵۶؛ آملی، ۱۳۱۳: ۴۵؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۰۶) و سپس ابوالعباس به مدت یک سال به تبرستان فرستاده شدند^۴ (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۷۸-۱۸۰؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۵؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۰۶). گزارش منابع مکتوب از حاکمیت و عزل این ولات متناقص بوده و چون سکه‌ای به نام آنها به دست نیامده نمی‌توان درباره تاریخ دقیق زمامداری‌شان نظر داد، اما به نظر می‌رسد این سه تن بین سال‌های ۱۴۱ تا ۱۴۵ ه.ق یعنی قبل از ضرب سکه توسط روح‌بن حاتم، در رأس یک لشکر کشی یا به عنوان والی در تبرستان بوده‌اند (جدول شماره ۱).

روح بن حاتم بن قیصر بن مهلب بن اَبی صَفرة الأزدی:^۵ ولات تبرستان برای اولین بار در زمان روح بن حاتم سکه ضرب کردند. مقایسه منابع و شواهد سکه‌شناسی حاکی است که او بین ۱۴۶-۱۴۸ ه.ق در تبرستان حکومت داشته^۶ و از وی دو نوع سکه به سبک اسپهبدان و اسلامی به دست آمده است^۷ (تصاویر شماره ۱-۲) که البته سکه‌های وی مورد پذیرش مردم قرار نگرفت. بر سکه‌های وی نام «المهدی محمد» منسوب به «ابوعبدالله محمد مهدی» پسر و ولیعهد خلیفه منصور

-
۱. در منابع دیگر تاریخ حکومت وی از یک سال (ابن فقیه، بی‌تا: ۱۵۶) تا سه سال (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۶۴) متغیر است.
 ۲. ظاهراً وی فردی متعصب در نژاد و مذهب بوده که در این مدت بسیاری از بزرگان و اعیان زرتشتی را به قتل رساند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۷۸؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۵).
 ۳. ابن اسفندیار درباره زمان حکومت وی می‌نویسد ابوخرزیمه را در سنه اربعین مائه (۱۴۰ ه.ق) فرستادند. مشخصاً این تاریخ اشتباه ثبت شده، زیرا در این سال هنوز تبرستان فتح نشده است.
 ۴. وی پس از رسیدن به حکومت با هدف برقراری امنیت سیاسی و سرکوب شورش‌ها تعداد زیادی پادگان نظامی در شهرهای تبرستان ایجاد کرد (نک: نیستانی و همکار، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۳۳).
 ۵. آل خلیفه، ۱۳۸۳: ۲۴۱؛ روح بن حاتم بن ماهویه (همدانی، بی‌تا، ۱۵۶).
 ۶. مدت حکومت وی از پنج سال (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۱)، یک سال (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۵؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۰۶؛ گیلاتی، ۱۳۵۲: ۶۲) و دو سال و نیم (ابن فقیه، بی‌تا: ۱۵۶) در منابع متغیر است. براساس تاریخ ابن اسفندیار وی در سال ۱۴۵ ه.ق و تاریخ ظهیرالدین مرعشی در ۱۴۶ ه.ق به امارت تبرستان رسیده است.
 ۷. لازم به ذکر است در سال ۱۱۲ یزدگردی/۱۴۶ ه.ق سکه‌های خورشید بسیار کمیاب هستند و از سال ۱۱۳ یزدگردی/۱۴۷ ه.ق سکه‌ای به نام وی به دست نیامده است. ظاهراً در طول این دو سال هم‌زمان با حاکمیت روح، ضرابخانه‌ها ضرب سکه‌های خورشید را متوقف می‌کنند.

نیز به خط کوفی ضرب شده است.^۱ وی در دوران ولایتعهدی، امیر خراسان و سرزمین‌های شرقی خلافت بوده است (طبری، ۱۳۵۴: ۸۴/۱۱).



تصویر ۱: روی سکه: المهدی محمد/ بن امیرالمومنین، پشت سکه: مما امر به روح بن حاتم بطبرستان سنه ستع و اربعین و مئه (Malek, 1993: 153).
تصویر ۲: روی سکه: بخ/ محمدرسول/ الله/ الخلیفه هرون/ روح، حاشیه: محمدرسول الله، پشت سکه: لا اله الا الله وحده/ لاشریک له، حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بطبرستان سنه ستع و اربعین و مئه (Malek, 2004: 90)

خالد بن برمک: به دلیل ظلم و ستم روح در اخذ مالیات در تبرستان، خلیفه منصور و یا شاید المهدی امیر خلیفه، روح را از ولایت تبرستان عزل و خالد را به جای وی منصوب کرد.^۲ خالد به عنوان یک ایرانی، سیاست صلح‌جویانه‌ای در قبال مردم پیش گرفت و سکه‌هایی به سبک اسپهبد خورشید و به خط پهلوی ضرب کرد. منابع نیز از مجامله وی با مردم تبرستان و صلح با اشراف محلی ساکن در کوهستان‌ها خبر می‌دهند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۷۳). بنابر شواهد سکه‌شناسی خالد میان ۱۱۶-۱۲۰ یزدگردی^۳ / ۱۵۰-۱۵۵ ه.ق در تبرستان حکومت داشته است^۴ (تصویر شماره ۳). با توجه به این شواهد سال ۱۱۵ یزدگردی / ۱۴۹ ه.ق یک سال میان حکومت روح و خالد، سکه به نام خورشید ضرب شده است. به احتمال زیاد سکه مزبور مربوط به سال اول حاکمیت خالد بوده، زیرا سکه فوق به سبک سکه‌های خالد نزدیک‌تر است.^۵

1. Malek, 1993:153/ Malek, 2004: 90-91, no. 53, 54.1, 54.3, 54A.1, 54B.1, 54C1/ ANS: 1939.162.1.

۲. نک: ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۷۳؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۶۲؛ قابل ذکر است با وجود داشتن ولایت عام برای امیر، خلیفه خود نیز می‌توانست که ولات منصوب از طرف امیر را عزل کند و شخص دیگری را به جای وی بگمارد (نک: ماوردی، ۱۳۸۳: ۴۱۸).

۳. براساس تاریخ پسا یزدگردی (پس از مرگ یزدگرد سوم). در این گاهشماری سال ۱۱۹ یزدگردی برابر با سال‌های ۱۵۳ و ۱۵۴ ه.ق است (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۱۲۶؛ Malek, 2004: 159).

4. FM: CM.191-1997/ BM: XXIII.6; XXIII.7; XXIII.8/ ANS: 1976.112.1/ UC, 1938: XVI, No.874; No.876; No.878-884; No.890-891; No.892-898.

5. ANS:1965.22.2;



تصویر ۳: خالدبن برمک، تپورستان، ۱۱۶ یزدگردی (FM: CM. 191-1997)

خالدبن محمد: سکه‌ای مسی با تراز اسلامی به نام «خالدبن محمد» به عنوان عامل ولیعهد یعنی «المهدی محمد» از ۱۵۰ ه.ق به دست آمده است^۱ (Lowick, 1980:374؛ Miles, 1950:115) (تصویر شماره ۴). همان‌طور که گفته شد مهدی عباسی در دوران ولایتعهدی کنترل بعضی سرزمین‌های خلافت را در دست داشته و سکه‌هایی به نام وی در عبارت «مما امر به/المهدی محمد/ بن امیرالمومنین» از جنس نقره و مس ضرب شده است. مضامین همه این سکه‌ها مشابه و گهگاه نام والی یا عامل منطقه به متن سکه اضافه شده است. از ۱۵۴ ه.ق نیز سکه‌ای از جنس مس به نام «المهدی محمد» بدون ذکر نام والی ضرب آمل به دست آمده است^۲ (Lane pool, 120, no.864). علاوه بر تپورستان از مناطق دیگری از جمله ری، جی، ارمیه، آران و بخارا طی ۱۴۳ تا ۱۵۵ ه.ق، سکه‌های درهم و فلوس به نام «المهدی محمد» ضرب شده است. سکه‌های مزبور به خوبی سلسله مراتب اداری زمان عباسیان را نشان می‌دهند. خلفای اموی و عباسی برای اداره قلمرو خویش امرا یا امیرانی را در بخش‌های مختلف خلافت منصوب می‌کردند که شخص امیر نیز برای نظارت بهتر بر قلمرو خود ولات و عاملانی را در ولایات مختلف تعیین می‌کرد که این اشخاص حق ضرب سکه نیز داشتند. نام امیری که از طرف خلیفه تعیین می‌شد، در متن سکه‌ها به صورت «مما امر به...» یا «فی ولیه...» و نام والی یا عامل بر سکه‌ها به صورت «عامل امیر...» یا «علی یدی...» معرفی شده است. این شیوه نوشتن بر سکه‌های ایالات دیگر از جمله جرجان، قومس،

۱. قابل ذکر است در کتاب ابن اسفندیار در قسمت بنیان شهرها از شخصی به نام محمدبن خالد که والی تپورستان بوده و در آبادانی شهر مامطیر کوشیده است، سخن گفته شده است (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۹۳). احتمالاً سکه مورد نظر و گزارش ابن اسفندیار اشاره به یک فرد دارند.

۲. با توجه به نام ضربخانه به صورت آمل نشان می‌دهد که زمان حکومت ولات عباسی ضربخانه آمل نیز فعال بوده است. آمل که پایتخت اداری و مرکز والی تپورستان بوده و اکثریت جمعیت آن را اهل سنت تشکیل می‌دادند، احتمالاً محل ضرب سکه‌ها با طراز اسلامی بوده است. در طول این زمان سکه‌هایی به نام خلفا با طراز اسلامی نیز ضرب شده که می‌توان احتمال داد منظور از «تپورستان» در این نوع از سکه‌ها ضربخانه آمل بوده باشد. البته با توجه به اینکه سکه‌ها به نام خلفا بسیار کمیاب هستند شاید این سکه‌ها در ضربخانه دیگری علی‌الخصوص ری ضرب شده باشند و تعداد محدودی از سکه برای پرواگاندا به ایالت تپورستان نیز فرستاده می‌شد.

ماوراءالنهر و مصر نیز دیده می‌شود^۱ (نک: سکه‌های خالدبن محمد، سکه‌های اسلامی عمر بن علاء و سکه‌های مسی ضرب ماوراءالنهر: Nastich, 2012). بر اساس منابع مکتوب، والیان نیز گهگاه نایبانی در شهرهای مختلف داشته‌اند که احتمالاً حق ضرب سکه به نام خود را نداشتند.^۲

بنابراین طی یک دوره‌ای خالدبن محمد هم‌زمان با خالدبن برمک به عنوان عامل یا والی در منطقه‌ای از تبرستان حاکمیت داشته است. به نظر می‌رسد علاوه بر تبرستان با مرکزیت آمل، والیانی برای مناطق دیگر از جمله رویان با مرکزیت کجه و دناوند (دماوند) نیز منصوب می‌شدند.^۳ تا پیش از ورود عرب‌های مسلمان به این منطقه دناوند را حاکمان محلی با عنوان مسمغان اداره می‌کردند (نک: طبری، ۱۳۵۴: ۱۱/۸۲) و رویان نیز جزوی از ایالت دیلمستان بوده که عمر بن علاء آن را فتح و ضمیمه تبرستان کرد (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۳۸۳). در منابع جغرافیایی و تاریخی قرون اولیه اسلامی نیز درباره فتح و همچنین نصب امیران و بعضی ولات همواره از نام رویان و دناوند در کنار ایالت تبرستان یاد شده است.^۴ با توجه به اینکه مناطق مزبور تا پیش از فتح توسط عباسیان تحت تسلط اسپهبدان بودند، بنابراین می‌توان احتمال رواج سکه‌های اسپهبدی با نام ضربخانه تپورستان را برای آنها در نظر گرفت. طراحی نسبتاً یکنواخت و وزن استاندارد سکه‌های عرب-تبرستانی نشان‌دهنده نظارت بر ضرب سکه‌ها بوده و بعید به نظر می‌رسد که سکه‌ها در چندین ضربخانه ضرب شده باشند. احتمالاً به دنبال ضرب سکه توسط اسپهبدان در ضربخانه ساری، ولات نیز ضرب را در همین ضربخانه پی گرفتند و محل ضرب را هم تپورستان ضرب کردند و سکه‌ها از ضربخانه ساری به سایر نقاط فرستاده می‌شدند.^۵

۱. لازم به ذکر است تنها سکه‌ای ضرب تبرستان که در آن نام والی در ادامه عبارت «مما امر به الامیر» دیده می‌شود سکه‌ای از روح ضرب ۱۴۶ و ۱۴۷ ه.ق است. سکه‌های مامون و طاهریان نیز با همین سلسله مراتب ضرب شدند (نک: Shams Eshragh, 2010: 199).

۲. نک: زمان ولایت خلیفه بن سعید

۳. قابل ذکر است ابن اسفندیار دماوند را جزو شهرهای تبرستان معرفی می‌کند که در عهد طاهریان خراج آن همراه با تبرستان پرداخت می‌شد (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۹۴).

۴. برای نمونه در منابع آمده است که زمان معاویه، اهالی تبرستان، رویان و دناوند دست به اقداماتی زدند و حملاتی را به نواحی سکونت مسلمانان آغاز کردند (طبری، ۱۳۵۴/ ج ۹: ۱۱۹-۱۱۶ و ج ۱۲/ ۴۰-۳۴ و ۸۷؛ بلاذری، ۱۳۶۴: ۹۳-۹۲). قابل ذکر است تبرستان در سال ۸-۲۰۷ ه.ق با رویان (منطقه مستقلی که مقر اداریش در کجه بود) و دناوند از نظر اداری و تشکیلاتی متحد بوند (اشپولر، ۱۳۸۶: ۶۹؛ نیز نک: ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۹۴).

۵. برای طبقه‌بندی سکه‌های عرب - تبرستانی نک: حاجی تبار، ۱۳۹۴ و برای میانگین وزنی سکه‌ها نک: Malek, 2004.



تصویر ۴: خالدبن محمد، روی سکه: لا اله الا الله وحده/ لا شریک له، حاشیه: علی یدی عامله خلد بن محمد فی ولیه ... بن بل /... پشت سکه: مما امر با / لمهدی محمد/ بن امیرالمومنین، حاشیه: بسم الله ضرب هذا الفللس بطبرستان سنه خمسين و مئه (ANS:1971.224.2)

عمر بن العلاء: زمان حمله عرب‌ها به تبرستان، ابوالخصیب به دلیل آشنایی عمر با این سرزمین، وی را در لشکر خلیفه آورد و راهی آمل کرد. عمر مرزبان آمل را شکست داد و در آنجا دعوت به اسلام کرد. عمر را پس از خالدبن برمک به حکومت تبرستان منصوب کردند و زمانی که مهدی در ۱۵۸ ه.ق به خلافت رسید، وی را عزل کردند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۸۱؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۶). بر اساس گزارش منابع عمر برای بار دوم پس از عزل سعیدبن دعلج و بار سوم پس از عزل یحیی حرشی به امارت تبرستان رسید.^۱ با اینکه منابع مکتوب از انتصاب عمر در سه دوره گزارش داده‌اند اما شواهد سکه‌شناسی حاکی از حاکمیت وی به طور پیوسته بین ۱۲۰-۱۲۹ یزدگردی/ ۱۵۵-۱۶۴ ه.ق است.^۲ (تصویر شماره ۵). دوره اول که منابع مکتوب به آن اشاره دارند مربوط به زمانی است که وی والی تبرستان بوده و سپس بین ۱۲۵-۱۲۸ یزدگردی/ ۱۶۰-۱۶۳ ه.ق که سعیدبن دعلج به این سمت منصوب شد، احتمالاً به عنوان والی یا عامل رویان از طرف المهدی سکه ضرب کرده است. سکه‌های وی هم به سبک سکه‌های اسپهبدان و هم با تراز اسلامی ضرب شده است. سکه‌های اسلامی از جنس مس هستند که در آنها عمر، عامل و لعیهد وقت یعنی «المهدی محمد» معرفی شده است.^۳ (Malek, 2004: 54).

۱. در سال ۱۶۸ ه.ق عمر بن علا برای سومین بار در تبرستان به حکومت می‌رسد (طبری، ۱۳۵۲: ۴۰/۱۲). شواهد سکه‌شناسی این گزارش را تایید نمی‌کنند.

2. MM: NO.57/ SM: no. 0001011340, 0001011344/ BM: Pl.XXIII.9, Pl.XXIII.10, Pl.XXIV.5, Pl.XXIV.2, Pl.XXIV.7, Pl.XXIV.8/ ANS: no. 1973.244.3, 2003.37.2, 1944.100.3616, 1958.222.3, 1971.316.64, 1917.215.139, 1958.225.1, 1944.100.3614/ FM: CM.13-1995, CM.454-1998, CM.455-1998, CM.456-1998, CM.13-1995.

۳. مضامین سکه‌های اسلامی به این شرح است: روی سکه: مما امر با/ لمهدی محمد/ بن امیرالمومنین، حاشیه: بسم الله ضرب ... خمس ... (۱۵۰ ه.ق؟)، پشت سکه: لا اله الا الله وحده/ لا شریک له، حاشیه: علی یدی عامله عمر بن العلاء برکه من الله (TC: no. AM8 F6). قابل ذکر است سکه‌ای مسی مربوط به سال ۱۴۵ ه.ق به نام عمر بن علا ضرب رویان توسط استفان آلجوم معرفی شده است (Album, 2011: 63). این در حالی است که منابع و شواهد سکه‌شناسی



تصویر ۵: عمر بن علاء (نام حاکم به خط پهلوی)، تبرستان، ۱۲۰ یزدگردی (MM: no.57)

سعید بن دعلج: بر اساس گزارش منابع، سعید زمان خلافت مهدی به عنوان جانشین عمر به تبرستان فرستاده شد.^۱ بنا بر سکه‌ها وی بین ۱۲۵-۱۲۸ یزدگردی / ۱۶۰-۱۶۳ ه.ق در تبرستان حاکم بوده^۲ که با گزارش منابع مکتوب متفاوت است. سکه‌های وی با سبک اسپهبدی و هم با تراز اسلامی است^۳ (تصویر شماره ۶).



تصویر ۶: سعید، نام حاکم به خط کوفی، تبرستان، ۱۲۵ یزدگردی (MM: no.2087)

یحیی بن مخناق:^۴ ابن اسفندیار از فردی به نام «یحیی بن مخناق» به عنوان جانشین عمر یاد می‌کند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۲). شواهد سکه‌شناسی نشان می‌دهند که شخصی به نام «یحیی» بین ۱۲۸-۱۳۰ یزدگردی / ۱۶۳-۱۶۵ ه.ق در تبرستان سکه‌های اسپهبدی ضرب کرده است. می-

انتصاب عمر را به ولایت تبرستان از ۱۲۰ یزدگردی / ۱۵۵ ه.ق نشان می‌دهند. اگر این سکه تقلبی نباشد می‌توان گفت عمر قبل از انتصاب توسط خلیفه در تبرستان قدرتی محلی احتمالاً در منطقه رویان داشته است. در منابع نیز به آشنایی عمر با سرزمین‌ها و راه‌های منطقه زمان حمله لشکر عباسیان (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۰-۱۷۶) و همچنین کارگزار بودن وی در تبرستان در سال‌های اولیه فتح اشاره شده است (ابن اثیر، ۱۳۷۰ / ج ۸: ۳۳۸۰؛ آملی، ۱۳۱۳: ۴۵).

۱. بر اساس گزارش منابع سعید بین ۱۶۰-۱۵۷ ه.ق در تبرستان حاکمیت داشته است (نک: اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۲؛ ابن فقیه، بی تا: ۱۵۶؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۶۴).

2. MM: no.2087, 56/ SM: no. 0001011358, 0001011365/ BM: no. PI.XXXVIII.7, PI.XXIV.15, PI.XXIV.16, PI.XXIV.17, PI.XXV.1, PI.XXV.2, PI.XXV.3/ ANS: no. 1971.316.79/ EC, 2010:45, No.198, TC: no.99-10-11.

۳. سکه‌ای مسی با طراز اسلامی از سعید به دست آمده است که مضامین آن شامل روی سکه: سعید/ بن دعلج، حاشیه: بسم الله ... الفللس بطبرستان سنه ... و پشت سکه: لا اله الا الله ... و حاشیه نامشخص است (TC: no. 99-10-11).

۴. در یکی از نسخ ابن اسفندیار نمر بن سنان ذکر شده است (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

توان سکه‌های مزبور را به یحیی بن مخناق مورد اشاره ابن اسفندیار نسبت داد^۱ (تصویر شماره ۷).
ظاهراً زمان حکومت یحیی «موسی هادی» امیر ولایات شرقی بوده زیرا در ۱۶۴ ه. ق سکه‌ای به نام
موسی ولیعهد وقت در ضرابخانه تبرستان ضرب شده است که مشابه سکه‌های زمان ولیعهدی
مهدی و نام موسی در عبارت «مما امر به الموسی بن امیرالمومنین» جایگزین نام مهدی شده است
(تصویر شماره ۸).



تصویر ۷: یحیی (نام حاکم به خط کوفی)، تپورستان،
تصویر ۸: موسی هادی، روی سکه: مما امر به / الامیر
موسی بن / امیرالمومنین / یحیی بنخ، حاشیه: نقوش تزیینی،
پشت سکه: لا اله الا الله وحده / لا شریک له، حاشیه:
بسم الله هذا الفللس طبرستان سنه اربع و ستین و مئه
(TC: no. 92-2-15)

ابوصالح یحیی بن داوود الحرشی:^۲ طبری و ابن اثیر عامل تبرستان، ری و گرگان را در
۱۶۴ ه. ق شخصی به نام «یحیی حرشی» معرفی می‌کنند^۳ (طبری، ۱۳۵۲: ۴۰/۱۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۰:
۳۵۹۲/۸). اما سکه‌هایی به نام «حرشی» از ۱۳۱ یزدگردی / ۱۶۶ ه. ق به دست آمده است. احتمالاً
منظور طبری از یحیی حرشی، «ابوصالح یحیی بن داوود الحرشی» مشهور به «ابن ممدود» بوده است.

1. ANS: 1981.51.1, 1981.50.4/ SM: 0001011361/ BM: PL.XXV.4, PL.XXXVIII.9, PI.XL.9/
UC: no.1263-1267.

۲. ابن اسفندیار از شخصی به نام عبدالله بن سعید حرشی در زمان خلافت هارون الرشید به عنوان والی تبرستان نام می‌برد
(ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۹۶) اما به لحاظ زمانی با توجه به اینکه زمان خلافت هارون الرشید میان سال‌های ۱۸۵-۱۸۸ ه. ق
بوده، بنابراین نمی‌توان سکه‌های حرشی را به وی نسبت داد.

۳. در تاریخ ابن اسفندیار آمده که پس از یحیی شخصی به نام عبدالحمید مضروب را به تبرستان فرستادند. احتمالاً وی
عامل یحیی در تبرستان بوده است. وی در گرفتن خراج ظلم بسیار کرد و پس از مدت کوتاهی نیز عزل شد (ابن
اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۲). قابل ذکر است در برخی پژوهش‌ها آورده‌اند که در این زمان یزید بن مزید و عبدالله بن قحطبه
به عنوان والی به تبرستان فرستاده شده در حالی که با مطالعه منابع مشخص می‌شود در درگیری که به سال ۱۶۵ ه. ق میان
اسپهبدان و ولات عرب اتفاق افتاد (نک: طبری، ۱۳۵۴: ۵۱ / ۱۲؛ ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۳-۱۸۸؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۶۲)،
این دو نفر نه به عنوان والی بلکه در راس سپاهی برای فرونشاندن شورش و نداد هرمزد و متحدانش به تبرستان فرستاده
شدند.

محمدبن یوسف کندی، ابن ممدود را از خاندان شاهان تبرستان معرفی می‌کند (کندی، ۱۹۰۸: ۱۲۲). اما در تاریخ «تغری بردی» نام وی یحیی بن داود الخُرسی (خراسانی) گزارش شده است (تغری بردی، ۱۹۹۹: ۴۵-۴۶). گرچه شواهد سکه‌شناسی تنها یک سال را تأیید می‌کنند^۱ (تصویر شماره ۹) اما احتمالاً وی تا سال ۱۶۹ ه.ق (سال نصب صالح بر تبرستان و رویان) کنترل مناطق وسیعی از جمله ولایت تبرستان را در اختیار داشته است. هیچ‌یک از منابع محلی از وایان تبرستان در طی این سال‌ها گزارشی ارائه نداده‌اند و این در حالی است که در طول سال‌های ۱۳۰-۱۳۷ یزدگردی/ ۱۶۵-۱۷۱ ه.ق سکه‌های بی‌نام با سبک اسپهبدی ضرب شده است.^۲ این سال‌ها هم‌زمان با شورش بزرگ مردم با اتحاد اسپهبدان است که وضعیت آشفته‌ای را در تبرستان ایجاد می‌کند. احتمالاً ضرب سکه‌های بی‌نام در پی این شورش و اعتراض مردم نسبت به عملکرد نامناسب ولات عباسی بوده است. می‌توان این احتمال را مطرح کرد که اسپهبدان به ضربخانه‌ها دستور ضرب سکه‌های بدون نام و به صورت «فره افزوت» را دادند (نک: Walker, 1941: 1xxiii). اما پس از سرکوب شورش نیز تا چندین سال ضرب این نوع سکه‌ها هم‌زمان با سکه‌های ولات ادامه می‌یابد. به دلیل کمبود منابع نمی‌توان در این باره نظر دقیقی داد. اما شاید این نوع از سکه‌ها که اعتبار یکسانی هم با سکه‌های ولات داشتند، به تعداد زیاد برای درخواست سکه در ضربخانه مهیا بودند. این نظر شامل «سرسکه‌های ذخیره» معمولاً برای زمانی بوده که والی به مدت یکسال در سمت خود نبوده است.



تصویر ۹: حرشی (نام حاکم به خط کوفی)، تپورستان، ۱۳۱ یزدگردی (ANS: no. 1971.316.80)

صالح بن شیخ اسدی: درهمی با تراز اسلامی مربوط به ۱۷۴ ه.ق ضرب رویان به نام «صالح» در کنار نام خلیفه هارون الرشید به دست آمده است^۳ که شاید بتوان آن را به صالح بن شیخ اسدی

1. BM: no. Pl.XXV.5/ ANS: no. 1971.316.80

2. ANS: 1972.169.201, 1986.70.14, 1966.126.8, 1971.316.149/ BM: Pl.XXVI.9, Pl.XXVI.10, Pl.XXXIX.10, Pl.XXVI.11, Pl.XXVI.13, Pl.XXVI.15, Pl.XXVI.16, Pl.XXVII.1, Pl.XXVII.2, Pl.XXVII.6, Pl.XXVII.7, Pl.XXXIX.11, Pl.XXVII.10, Pl.XXVII.1

۳. نک به 196: Abul Faraj, 1974.

مذکور در تاریخ طبری نسبت داد^۱ (تصویر شماره ۱۳). با توجه به گزارش طبری و همچنین تداخل گاه‌نگاری حاکمیت وی با سکه‌های سلیمان، جریر، مهران، مقاتل، هانی، معد، عبدالله، قدید و ابراهیم احتمالاً وی بین ۱۶۹-۱۷۵ ه.ق امیر تبرستان، رویان و دناوند بوده^۲ و اشخاص مزبور یا توسط وی یا توسط خلیفه وقت به عنوان عامل در این مناطق گمارده شده بودند.



تصویر ۱۳: صالح و هارون، رویان، ۱۷۴ ه.ق (TC: no. AG1 E2)

سلیمان بن منصور: اگرچه بنابر گزارش منابع محلی هارون الرشید پس از رسیدن به خلافت در ۱۷۰ ه.ق، سلیمان را به تبرستان فرستاد^۳ (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۸؛ آملی، ۱۳۱۳: ۵۱)، اما سکه‌ها حضور وی در تبرستان را بین ۱۳۶-۱۳۸ یزدگردی / ۱۷۱-۱۷۳ ه.ق نشان می‌دهند. وی سکه‌هایی متفاوت با سایر سکه‌های والیان به لحاظ نقوش ضرب کرد^۴ (تصویر شماره ۱۰). با توجه به شواهد سکه‌شناسی هم‌زمان با حکومت سلیمان عاملانی از جمله جریر و مهران نیز در محدوده «تبرستان، رویان و دناوند» حاکمیت داشتند. سکه‌های «جریر» به سبک اسپهبدان مربوط به ۱۳۷-۱۳۵ یزدگردی / ۱۷۰-۱۷۲ ه.ق هستند^۵ و تنها منبع مکتوبی که از این شخص به عنوان حاکم بخشی از تبرستان یاد می‌کند کتاب «مختصر البلدان» است.^۶ همچنین از شخصی به نام «مهران» نیز سکه‌های اسپهبدی مربوط به سال ۱۳۵ یزدگردی / ۱۷۰ ه.ق به دست آمده است (Malek, 2004: 55)؛ پاکزادیان، ۱۳۷۸: ۷۰).

۱. در ۱۶۹ ه.ق عامل تبرستان و رویان، صالح بن شیخ اسدی بود (طبری، ۱۳۵۴: ۸۷/۱۲).

۲. نک: طبری، ۱۳۵۴/ج ۱۲: ۸۷.

۳. وی هشت ماه والی آنجا بود (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

۴. SM: no. 0001011378, 0001011381/ MM: no.2083/ BM: no. PL.XXV.6, PL.XXV.7, PL.XXV.8, PL.XXXVIII.10/ FM: CM. PG.13083.

۵. BM: no. PL.XXVII.4, PL.XXV.9, PL.XXV.10, PL.XXXVIII.11/ ANS: no. 1940.125.2, 1991.3.525/ SM: no. 0001011383/ TC: no. 97-29-7.

۶. «بیرون شهر ساری هزار جریر زمین بر در شهر واقع است و همانجا است که از اموال خالصه، از جریر بن یزید والی تبرستان خرید» (همدانی، بی تا: ۱۴۹).



تصویر ۱۰: سلیمان (نام حاکم به خط کوفی)، تپورستان، ۱۳۷ یزدگردی (MM: no.2083)

هانی بن هانی: پس از سلیمان شخصی به نام هانی والی تبرستان شد. از وی به عنوان مردی عادل یاد شده که پس از شورش بزرگ سال ۱۶۵ ه.ق با اسپهبد باوندی صلح کرد (نک: ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۸؛ آملی، ۱۳۱۳: ۵۱؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۶۳). از این والی نیز سکه‌های اسپهبدی به دست آمده که بیشترین فراوانی آنها مربوط به ۱۳۷-۱۳۸ یزدگردی / ۱۷۲-۱۷۳ ه.ق^۱ (تصویر شماره ۱۱) است.^۲ زمان ولایت وی در ۱۳۸ یزدگردی / ۱۷۳ ه.ق از شخصی به نام «معد» نیز به عنوان والی در تبرستان (رویان یا دناوند) سکه‌های اسپهبدی به دست آمده است.^۳



تصویر ۱۱: سمت راست: هانی (نام حاکم به خط کوفی)، تپورستان، ۱۳۸ یزدگردی (MM: no.54)

مقاتل: در دوره‌ای نسبتاً طولانی بین ۱۳۶-۱۴۱ یزدگردی / ۱۷۱-۱۷۶ ه.ق سکه‌های اسپهبدی به نام «مقاتل» به دست آمده است^۴ (تصویر شماره ۱۲)، اما نامی از وی در منابع به عنوان والی تبرستان نیست. البته به جز ۱۳۹ یزدگردی / ۱۷۴ ه.ق سکه‌های مربوط به بقیه سال‌ها کمیاب هستند.^۵

1. ANS: no. 2003.37.4/ BM: no. PL.XXV.12, PL.XXV.13, PL.XXXVIII.12, PL.XXV.14, PL.XXV.15, PL.XXXVIII.13/ MM: no.54, 2089/ SM: no. 0001011388.

۲. سکه‌هایی از وی مربوط به ۱۳۶ یزدگردی / ۱۷۱ ه.ق و ۱۴۰-۱۳۹ یزدگردی / ۱۷۴-۱۷۵ ه.ق به دست آمده که بسیار کمیاب هستند (Malek,2004:56) ظاهراً وی در این طی این سال‌ها نیز همزمان با سلیمان و سپس مقاتل در تبرستان (یا رویان یا دناوند) ولایت داشته است.

3. ANS: no. 1971.316.87, 1991.3.533/ BM: no. PL.XXV.11, SM: no. 0001011386.

4. ANS: no. 2003.37.3/ MM: no.2092, 55/ BM: no. PL.XXXVIII.14, PL.XXV.16, PL.XXV.17, PL.XXVI.1, PL.XXVI.2, PL.XXXIX.1, PL.XXXIX.2, PL.XXXIX.5, PL.XXXIX.6/ FW: no. CM.19-1973.

۵. مهدی ملک از سکه‌هایی مربوط به ۱۲۶ یزدگردی / ۱۶۱ ه.ق و ۱۲۹ یزدگردی / ۱۶۴ ه.ق نیز به نام مقاتل یاد کرده است (Malek,2004:57).



تصویر ۱۲: مقاتل (نام حاکم به خط کوفی)، تپورستان، ۱۳۹ یزدگردی (FW: no. CM.19-1973)

عبدالله / قدید / ابراهیم: از ۱۳۹ یزدگردی / ۱۷۴ ه.ق سکه‌های اسپهبدی به نام «عبدالله» به دست آمده که ضرب آنها تا ۱۴۱ یزدگردی / ۱۷۶ ه.ق ادامه می‌یابد^۱ (تصویر شماره ۱۴). در ۱۴۱ یزدگردی / ۱۷۶ ه.ق نام کامل حاکم به صورت «عبدالله بن عریف» به خط کوفی ضرب شده است^۲. به علاوه، به نام «عبدالله» در کنار نام خلیفه «هارون الرشید» سکه‌های اسلامی از ۱۷۵ ه.ق ضرب «طبرستان» به دست آمده است^۳ (تصویر شماره ۱۵). از ۱۴۰ یزدگردی / ۱۷۵ ه.ق سکه‌های اسپهبدی به نام «قدید»^۴ و از ۱۴۰-۱۴۱ یزدگردی / ۱۷۵-۱۷۶ ه.ق به نام «ابراهیم» به دست آمده است^۵. قابل ذکر است با توجه به شواهد سکه‌شناسی حکومت عبدالله و ابراهیم زمان ولایت فضل بن یحیی نیز به مدت یک‌سال ادامه دارد.



تصویر ۱۴: عبدالله (نام حاکم به خط کوفی)، تپورستان، ۱۴۰ یزدگردی (MM: no.53)
تصویر ۱۵: عبدالله و خلیفه هارون، طبرستان، ۱۷۵ ه.ق (ANS: no. 1956.137.7)

1. BM: no. PL.XXXIX.7, PL.XXVI.3, PL.XXVI.4 PL.XXXIX.8/ MM: no.53/ SM: no. 0001011397/ ANS: no. 1969.181.1.

2. Malek,2004: no. 135.1

۳. بنابر منابع پس از هانی، عبدالله بن قحطبه به تبرستان فرستاده شد (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۹؛ آملی، ۱۳۱۳: ۵۱؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۶۳). اما از عبدالله بن عریف در منابع به عنوان والی تبرستان ذکری به میان نیامده است، بنابراین با اطلاعات کنونی نمی‌توان نظر داد که این دو نوع سکه مربوط به یک شخص هستند یا دو نفر.

4. ANS: no. 1971.316.111/ BM: no. PL.XXXIX.9.

در منابع از وی نامی به عنوان والی تبرستان نیست با وجود این ابن سفندیار از شخصی با نام قدیدی که کنترل پادگان شهر ساری را زمان ابوالعباس طوسی در دست داشته نام می‌برد (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۷۹).

5. ANS: no. 1917.216.79/ BM: no. PL.XXVI.6, PL.XXVI.8/ MM: no.2090/ SM: no. 0001011401.

فضل بن یحیی برمکی: در ۱۷۶ ه. ق خلیفه هارون الرشید ولایات جبال، تبرستان، دناوند، قومس، ارمینیه، آذربایجان و خراسان را به «فضل بن یحیی» از خاندان برمکیان سپرد. وی در ۱۸۰ ه. ق از امارت تبرستان و رویان عزل شد و عبدالله بن خازم ولایتدار آنجا گردید (طبری، ۱۳۵۴: ۱۲/ ۱۳۱-۱۳۹-۱۴۴؛ اصفهانی، ۱۳۴۶: ۲۰۲؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۶۰ و ۲۸۷-۲۸۸). از فضل سکه‌ای ضرب تبرستان به دست نیامده اما از مناطق دیگر تحت حاکمیت وی از جمله ارمینیه بین ۱۷۷-۱۷۵ ه. ق و خوارزم در ۱۷۹ ه. ق سکه به دست آمده است (نک: Vardanyan, 2017). در حالی که در منابع محلی از فضل به عنوان امیر ولایت شرقی یاد نشده، اما از والیان وی در طول این سال‌ها نام می‌برند.^۱ این والیان تنها از طریق منابع شناخته می‌شوند^۲ و سکه‌های ضرب شده در زمان آنها بی‌نام و از نوع اسپهبدی است.^۳ با عزل فضل بن یحیی در ۱۸۰ تا ۱۹۰ ه. ق به مدت ۱۰ سال سکه‌های ضرب تبرستان به نام ولات عباسی و حتی سکه‌های بی‌نام نیز به دست نیامده است. در طی سال‌های مزبور والیان منصوب از طرف خلیفه از طریق منابع تاریخی به شرح زیر شناخته می‌شوند:

عبدالله بن خازم: در ۱۸۰ ه. ق، عبدالله بن خازم ولایتدار تبرستان و رویان شد (طبری، ۱۳۵۴: ۱۲/۱۴۴؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰: ۳۶۷۵/۸) و ظاهراً مدت زیادی در تبرستان حاکمیت نداشته و در زمان شورش‌هایی که در ناحیه چالوس و رویان به دلیل ظلم و ستم نایب‌والی رخ داد، از حکومت عزل شد (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۹-۱۹۰؛ آملی، ۱۳۱۳: ۵۲؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۶۳).

محمد بن یحیی بن خالد برمکی، جهضم بن جناب، احمد بن الحجاج: پس از عبدالله تا ۱۸۴ ه. ق محمد بن یحیی به همراه برادرش موسی حاکم بودند که به دلیل ظلم بسیار و غضب املاک مردم توسط خلیفه عزل شدند. سپس جهضم و بعد از وی احمد بن الحجاج به تبرستان فرستاده شدند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۹۰-۱۹۵؛ آملی، ۱۳۱۳: ۵۲).

۱. در تاریخ بیهقی آمده است که خلیفه برای مقابله با یحیی بن عبدالله امارت ولایات شرقی را به وی داد و دستور داد تا یحیی خود در ری بنشیند و عاملانی به شهرها فرستد (بیهقی، ۱۳۵۸: ۴۶۹).

۲. عثمان بن نهیک، سعید بن سلمه بن قتیبه، حماد و عبدالله بن عبدالعزیز، المثنی بن الحجاج و عبدالملک بن القعقاع (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۹؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۶۳؛ آملی، ۱۳۱۳: ۵۱)

3. PI.XXVII.14, PI.XXXIX.14, PI.XXVII.15, PI.XXXIX.15, PI.XXVII.17/ FM: CM.248-1999, CM.250-1999, CM.27-1973/ UC: no.1686, 1715, 1718, 1792, 1839, 1914, 1923, 1942, 1961, 1964, And 1993.

خلیفه بن سعید بن هرون الجوهری / عبدالله بن سعید حرشی: بنا بر گزارش طبری و ابن‌اثیر در ۱۸۴ ه. ق. مهرویه رازی ولایتدار تبرستان شد. اما به نوشته ابن‌اسفندیار خلیفه بن سعید والی تبرستان بود که مهرویه را به نیابت از خود در آمل گذاشت. در ۱۸۵ ه. ق. مردم آمل به دلیل توهین مهرویه به آنها، وی را شبانه سر بریدند.^۱ به دلیل این وضعیت آشفته، هارون‌الرشید، خلیفه بن سعید را از حکومت تبرستان عزل و در ۱۸۵ ه. ق. عبدالله بن سعید حرشی را به جای وی نشانده (طبری، ۱۳۵۴: ۱۲/۱۴۶-۱۴۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ۸/۳۶۹۰-۳۶۹۱؛ ابن‌اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

عبدالله بن مالک خزاعی: در ۱۸۹ ه. ق. هارون‌الرشید یکی از سرداران خود به نام عبدالله بن مالک را ولایتدار تبرستان، ری، رویان، دناوند، قومس و همدان کرد (طبری، ۱۳۵۴: ۱۲/۱۸۴؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ۸/۳۷۲۱؛ ابن‌اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۹۸). احتمالاً وی تا ۱۹۰ یا ۱۹۱ ه. ق. امیر مناطق مزبور بوده است، زیرا در ۱۹۱ ه. ق. هارون‌الرشید، وی را بر یمن گماشت (طبری، ۱۳۵۴: ۱۲/۱۸۸).

فضل بن سهل: هارون‌الرشید در ۱۸۳ ه. ق. در رقه برای پسرش مأمون بیعت گرفت و ولایتداری سرزمین‌های شرقی (طبری، ۱۳۵۴/ج ۱۲: ۱۴۵) از جمله تبرستان را بدو سپرد. در ۱۹۶ ه. ق. نیز مأمون اداره بسیاری از ولایات شرقی از جمله تبرستان را به فضل داد (طبری، ۱۳۵۴/ج ۱۲: ۲۷۴؛ اصفهانی، ۱۳۴۶: ۲۰۵)، اما شواهد سکه‌شناسی امارت وی بر تبرستان را از ۱۹۴ ه. ق. نشان می‌دهند. بدین ترتیب، سه سال وقفه میان حکومت عبدالله بن مالک و فضل بن سهل وجود دارد. این در حالی است که در طی این سال‌ها والی تبرستان مشخص نیست و درهم‌هایی بدون نام با تراز اسلامی به سبک استاندارد عباسیان از این سال‌ها (۱۹۰-۱۹۴ ه. ق.) به دست آمده است^۲ (تصویر شماره ۱۶). فضل تا آخر عمر یعنی ۲۰۳ ه. ق. امارت نواحی شرقی را در اختیار داشته است.^۳ پس از فضل، مأمون امارت نواحی مزبور را به غسان بن عباد سپرد (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۲۰۵).

۱. قابل ذکر است در این زمان «اسپهد شروین باوندی» و «وندادهرمزد» با اتحاد یکدیگر از تمیشه تا رویان را تحت نفوذ خود داشتند و همه کوهستان‌ها در تصرف آنها بود. آنها مردم را علیه مسلمانان تحریک می‌کردند (ابن‌اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۹۶؛ نیز نک: آملی، ۱۳۱۳: ۵۲).

2. TC: no. AG2 B6, AG2 C1, AG5 D3 & AG5 D4.

۳. زمان حاکمیت فضل بن سهل بر ولایات شرقی اداره نواحی چون لاریجان و شیرجان در ۲۰۱ ه. ق. در دست عبدالله بن خردادبه بوده است (طبری، ۱۳۵۴/ج ۱۳: ۱۰۷؛ بیرونی، ۱۳۹۲: ۵۳۹). سکه‌ای مسی و بدون نام مربوط به سال ۲۰۱ ه. ق. در مجموعه سکه‌های دانشگاه توپینگن موجود است که آن را به عبدالله نسبت می‌دهند (TC: no. 94-53-142).



تصویر ۱۶: بی‌نام، ۱۹۳ ه.ق، روی سکه: ربی الله / محمد / رسول / الله / ه، حاشیه: محمد رسول الله ارسله رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون، پشت سکه: لا اله الا الله وحده / لا شریک له، حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بطبرستان سنه ثلث و تسعین و مئه (TC: no. AG5 D3)

از ۱۹۴ ه.ق نام فضل در سکه‌های زمان ولایتعهدی مأمون در ولایات شرقی از جمله در تبرستان ضرب می‌شده است. از وی دو نوع سکه با تراز اسلامی (به امر مأمون و به نام فضل بین ۱۹۴-۱۹۷ ه.ق)^۱ (تصویر شماره ۱۶) و سکه‌هایی مشابه سکه‌های سلیمان و البته پشت سکه با ضرب عبارت شهادتین به خط کوفی به دست آمده است. در واقع، فضل هم از سبک سکه‌های اسپهبدان و هم سکه‌های اسلامی الگو گرفته و نوعی خاص از سکه را به سال ۱۶۱ یزدگردی / ۱۹۶ ه.ق ضرب کرده است (تصویر شماره ۱۷). مطالعه و بررسی سکه‌های والیان در طول نیم قرن نشان می‌دهد که عباسیان تلاش برنامه‌ریزی‌شده‌ای را در قبال ایالات کرانه‌های دریای خزر در پیش گرفتند. تغییرات کندی در سکه‌های عرب-تبرستانی مشهود است که نشان می‌دهد اعراب به تدریج ایدئولوژی‌های مذهبی و سیاسی خودشان را منتقل کردند.



تصویر ۱۶: روی سکه: لله / مما امر به الامیر المأمون / ولی عهد مسلمین / عبدالله بن امیر المومنین / الفضل، حاشیه: «محمد رسول الله ارسله رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»، پشت سکه: لا اله الا الله وحده / لا شریک له، حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بطبرستان سنه اربع و تسعین و مئه (ANS: no. 1985.115.3)

محمد بن خالد / موسی بن حفص / محمد بن موسی / مازیار: به روزگار خلافت مأمون، در تبرستان جنگی میان مازیار، شاهزاده قارنی و شهریا شاهزاده باوندی رخ داد و مازیار شکست خورد و ولایات وی به تصرف شهریار درآمد. مازیار نزد مأمون به عراق رفت و در دربار خلیفه مسلمان شد. تبرستان در ۲۱۰ ه.ق به دلیل درگیری میان اسپهبدان دچار بی‌سامانی شده بود و چون والی وقت (محمد بن خالد) کاری از پیش نبرد، مأمون مازیار را به کوهستان و موسی بن حفص را به هامون فرستاد.^۱ پس از درگذشت موسی بن حفص، محمد بن موسی به عوض پدر نشست.^۲ اما مازیار به تدریج توانست بر تمام کوه و دشت حاکم شود. پس از درگذشت مأمون و جانشینی المعتصم، مازیار به دلیل رقابت با خاندان عبدالله بن طاهر در تبرستان علیه خلیفه قیام کرد. خلیفه عباسی نیز عبدالله بن طاهر را مأمور دستگیری مازیار ساخت. در ۲۲۵ ه.ق خلیفه المعتصم مازیار را به قتل رساند (طبری، ۱۳۵۴/ج ۱۳: ۲۵۴-۲۵۵؛ همدانی، بی تا: ۱۵۴؛ بلاذری، ۱۳۶۴: ۹۶-۹۷؛ ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۲۰۵-۲۲۱؛ آملی، ۱۳۱۳: ۵۴-۵۵؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۶۳-۶۷). ظاهراً مازیار مدتی طولانی بین ۲۲۵-۲۱۰ ه.ق ابتدا کوهستان‌ها و سپس کل منطقه را تحت کنترل خود داشته است. مازیار تنها اسپهبد قاروندی است که سکه‌ای از وی به دست آمده است. سکه‌ای مسی بدون نام خلیفه که در آن مازیار خود را بر آن «محمد بن قارن بن مولی امیر المؤمنین» نامیده است. تاریخ این سکه که رقم یکان آن ناخواناست چنین است: «... و عشرین و مائتین» (= ۲۲ ه.ق). نام ضربخانه نیز بر این سکه به صورت «طبرستان بمدینه امل» ضرب شده است (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۲۱۴). این سکه بایستی مربوط به سال‌های ۲۲۴ یا ۲۲۵ ه.ق باشد که مازیار علیه خلیفه المعتصم قیام کرد. پس از کشته شدن مازیار، خلیفه اداره تبرستان را به امرای طاهری داد (همدانی، بی تا: ۱۵۷).

تحلیل و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با اتکا به منابع مکتوب و شواهد سکه‌شناسی برای انجام گاه‌نگاری و بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان ولات عباسی انجام شده است. برای رسیدن به این هدف، کلیه منابع تاریخی در کنار سکه‌ها بررسی شد و فهرست کاملی از اسامی ولات تبرستان و ایام فرمانروایی هر کدام تهیه گردید (جدول شماره ۱). اهمیت این پژوهش از آن جهت است که از

۱. طبری تاریخ ۲۰۷ ه.ق را سال انتصاب موسی بن حفص به ولایتداری تبرستان، رویان و دنماند گزارش می‌کند (طبری، ۱۳۵۴: ۱۳/۱۳۷).

۲. ۲۱۱ ه.ق (طبری، ۱۳۵۴: ۱۳/۱۵۶).

سکه‌ها به عنوان شواهدی مطمئن در جهت تصحیح گزارش‌های ضد و نقیض منابع مکتوب برای فهم دوره‌ای پر آشوب از تاریخ تبرستان استفاده می‌شود.

عدم هماهنگی گزارش منابع مکتوب با سکه‌ها در زمینه تاریخ فرمانروایی گماردگان خلفای عباسی بر تبرستان باعث سردرگمی محققان در ارائه گاهنگاری دقیق از آنها شده است. با توجه به آنچه در این تحقیق ارائه شد و مقایسه سکه‌ها و متون می‌توان دو دلیل برای آشفتگی در گاهنگاری حاکمیت ولات عباسی ذکر کرد:

۱. عزل و نصب‌های دائمی ولات از طرف خلیفه یا امیر وی که ظاهراً به دو جهت بوده است: اول به دلیل نوع نظام سیاسی و دیوانی خلفای عباسی مبنی بر تعیین کارگزاران برای ولایات مختلف است. اما خلفا به دلایل سیاسی اجازه حکومت طولانی مدت را به هیچ یک از والیان نمی‌دادند تا از قدرت‌گیری آنها در بخش‌های مختلف خلافت جلوگیری کنند. این امر به خصوص در ارتباط با ولایات کرانه‌های دریای خزر که از مرکز خلافت دور بودند، بیشتر دیده می‌شود. دوم عملکرد نامناسب ولات نیز عاملی در عزل آنها از منصب‌شان بوده است. منابع از ظلم و ستم برخی ولات در گرفتن خراج و مالیات‌های متعدد و غصب اراضی روستاییان و کشمکش با اسپهبدان ساکن در کوهستان‌ها خبر می‌دهند.

۲. سلسله مراتب اداری. در سلسله مراتب اداری زمان عباسیان چندین شخص از جمله امیر و والی و احتمالاً نایبان والی برای کنترل نواحی مختلف خلافت منصوب می‌شدند. شخص امیر مستقیماً از طرف خلیفه برای اداره چندین ولایت تعیین می‌شد. وی این اختیار را داشت که والیانی برای ولایات و شهرهای مختلف تعیین کند تا نظارت مناسبی بر سرزمین‌ها اعمال شود. نکته مهم در این باره مربوط به اختلاف میان گزارش منابع محلی و منبع مهمی چون تاریخ طبری است. در تاریخ طبری از کسانی چون صالح بن شیخ اسدی، فضل بن یحیی، عبدالله بن خازم، عبدالله بن مالک، فضل بن سهل و غسان بن عباد نام می‌برد که از طرف خلیفه به عنوان امیر ولایات شرقی انتخاب شده بودند، در حالی که در تواریخ محلی از نام والیان آنها یاد شده است. با توجه به شواهد سکه‌شناختی در ولایت تبرستان والیان در بخش‌های مختلف حق ضرب سکه داشتند. بر اساس منابع به دلیل وضعیت خاص ولایت تبرستان چندین والی برای کنترل منطقه فرستاده می‌شد که یکی با مرکزیت آمل، دیگری در رویان و گزینه دیگر احتمالاً دناوند بوده که دارای والی جداگانه بوده است. اما غالب سکه‌ها با سبک اسپهبدی و با نام ضربخانه تپورستان ضرب شدند؛ این امر باعث

همپوشانی تاریخی بسیاری از سکه‌ها شده و البته نمی‌توان محدوده حکومتی هر یک از والیان را مشخص کرد. دلایل مزبور باعث اختلاف میان منابع مکتوب و تداخل ضرب سکه‌ها در زمینه ارائه یک گزارش منسجم از تاریخ حکمرانی ولات عباسی در تبرستان شده است.

جدول ۱: گاه‌نگاری دوران فرمانروایی ولات عباسی براساس سکه‌ها و منابع مکتوب

سکه اسلامی بی نام	سکه اسلامی با نام	سکه اسپهبدی بی نام	سکه اسپهبدی با نام حاکم	منابع مکتوب	سال حکمرانی (هجری قمری)	والی	خلیفه یا امیر وقت
---	---	---	خورشید	*	۱۴۱-۱۴۲	ابوالخصیب	المنصور
---	---	---	خورشید	*	۱۴۳-۱۴۴	خازم بن خزیمه	
---	---	---	خورشید	*	۱۴۵	ابوالعباس طوسی	
---	*	---	خورشید	---	۱۴۵	عمر بن علاء	
---	*	---	*	*	۱۴۶-۱۴۸	روح بن حاتم	المهدی محمد
---	---	---	خورشید	*	۱۴۹	خالد بن برمک	المنصور
---	---	---	*	*	۱۵۰-۱۵۵	خالد بن برمک	
---	*	---	---	*	۱۵۰	خالد بن محمد	المهدی محمد
---	*	---	*	*	۱۵۵-۱۵۹	عمر بن علاء	
---	*	---	*	*	۱۶۰-۱۶۳	سعید بن دعبلج	
---	*	---	*	*	۱۶۰-۱۶۴	عمر بن علاء	
---	---	*	*	*	۱۶۳-۱۶۵	یحیی بن مختاق	المهدی محمد/ موسی هادی
---	*	*	*	*	۱۶۴-۱۶۹	عبدالحمید مضروب؟	یحیی حرشی
---	---	*	---	*	۱۶۵-؟		
---	---	*	---	*	۱۶۹-۱۷۵		هارون الرشید/ صالح (بن شیخ اسدی)
---	---	---	*	*	۱۷۰-۱۷۲	جریر	
---	---	---	*	---	۱۷۰	مهران	
---	---	*	*	*	۱۷۱-۱۷۳	سلیمان	
---	---	---	*	---	۱۷۱-۱۷۶	مقاتل	
---	---	*	*	*	۱۷۲-۱۷۳	هانی	
---	---	---	*	---	۱۷۳	معد	
---	*	---	*	*	۱۷۴-۱۷۶	عبدالله	
---	---	---	*	---	۱۷۵	قدید	
---	---	---	*	---	۱۷۵-۱۷۶	ابراهیم	
---	---	*	---	*	۱۷۶-۱۸۰		فضل بن یحیی

سکه اسلامی بی نام	سکه اسلامی با نام	سکه اسپهبدی بی نام	سکه اسپهبدی با نام حاکم	منابع مکتوب	سال حکمرانی (هجری قمری)	والی	خلیفه یا امیر وقت
---	---	---	---	*	۱۷۶-۱۷۷	عثمان بن نهیک	
---	---	---	---	*	۱۷۷/۱۷۸	سعید بن سلمه	
---	---	---	---	*	۱۷۸-۱۷۹	حماد و عبدالله بن عبدالعزیز	
---	---	---	---	*	۱۷۹-۱۸۰	المثنی بن حجاج	
---	---	---	---	*	۱۸۰-۱۸۱	عبدالملک بن قعقاع	
---	---	---	---	*	۱۸۰-؟	عبدالله بن خازم	هارون الرشید
---	---	---	---	*	؟-۱۸۴	محمد بن یحیی خالد برمکی / جهضم بن جناب / احمد بن الحجاج	
---	---	---	---	*	۱۸۴-۱۸۵	خلیفه بن سعید جوهری / مهرویه رازی	
---	---	---	---	*	۱۸۵-۱۸۹	عبدالله بن سعید حرشی	
*	---	---	---	*	-۱۹۰/۱۹۱ ۱۸۹	عبدالله بن مالک خزاعی	
*	---	---	---	---	۱۹۲-۱۹۴	؟	
*	*	---	*	*	۱۹۴-۲۰۳		فضل بن سهل
---	*	---	---	*	۲۰۱-؟	عبدالله بن خردادبه	
---	---	---	---	*	۲۰۳-۲۰۵	؟	غسان بن عباد
---	---	---	---	*	۲۰۶-۲۰۷	محمد بن خالد	مأمون
---	---	---	---	*	۲۰۷-۲۱۱	موسی بن حفص	
---	---	---	---	*	۲۱۱-۲۱۸	محمد بن موسی	
---	*	---	---	*	۲۱۸-۲۲۵	مازیار	

؟ نامی از والیان گزارش نشده است.

منابع و مأخذ

- آملی، اولیاءالله (۱۳۱۳). **تاریخ رویان**. تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی (۱۳۷۰). **تاریخ کامل**. ترجمه محمدحسن روحانی. جلد ۵، ۹-۷. تهران: انتشارات اساطیر.

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س) / ۱۰۳

- ابن اسفندیار، بهالدین محمد بن حسن (۱۳۸۹). **تاریخ طبرستان**. جلد اول. به تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین (۱۹۹۹). **النجوم الزاهره فی ملوک مصر والقاهره**، قاهره: وزاره الثقافه والارشاد القومی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶). **تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی**. ترجمه مریم میراحمدی. جلد دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۴۶). **تاریخ پیامبران و شاهان (سنی الملوک الارض و الانبیاء)**. ترجمه جعفر شعار. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- اعظمی سنگسری، چراغعلی. «سکه‌های طبرستان، گاوبارگان و حکام خلفا». **مجله بررسی‌های تاریخی**. شماره ۴۴ و ۴۵، ۱۳۵۲. صص ۱۹۴-۱۵۳.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۵۲). **تورکستان‌نامه**. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴). **فتوح البلدان. بخش مربوط به ایران**. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تصحیح علامه محمد فروزان. تهران: انتشارات سروش. چاپ دوم.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۵۸). **تاریخ بیهقی**. تصحیح علی‌اکبر فیاض. تهران: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- پاکزادیان، حسن (۱۳۷۸). **تاریخ و گاهشماری در سکه‌های اسپهبدان و حکام عرب در تبرستان: بررسی و تحلیل تاریخ‌های نقرشده بر مسکوکات تبرستان**. نشر پاکزادیان.
- حاجی تبار، مجید. «گونه‌شناسی سکه‌های تراز ساسانی طبرستان». **فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**. شماره ۲۱، ۱۳۹۴. صص ۱۴۲-۱۱۹.
- خواندمیر (۱۳۳۳). **تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر**. جلد دوم. تهران: انتشارات کتابخانه خیام.
- رایینو، ه. ل. «حکام خلافت عربی در طبرستان از سال ۱۸ تا ۳۲۸». ترجمه باقر امیرخانی. **مجله پژوهش‌های فلسفی**. دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. شماره ۶۴، ۱۳۴۲. صص ۶۰-۴۱.
- _____ (۱۳۶۵). **مازندران و استرآباد**. ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۹۳). **سکه‌های ایران در دوره اسلامی**. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود (۱۳۴۶). **اخبار الطوال**. ترجمه صادق نشأت. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- سلامی، حسین بن احمد (۱۳۹۰). **اخبار ولّاه خراسان**. پژوهش و بازسازی محمدعلی کاظم بیگی. تهران: انتشارات میراث مکتوب.
- شمس اشراق، ع (۱۳۶۹). **نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام**. اصفهان: تهران: انتشارات خدمات فرهنگی استاک.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۴). **تاریخ الرسل و الملوک**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. جلد ۱۰-۱۳. تهران: انتشارات اساطیر.
- فرخندزاده، محبوبه. «حاکمیت خلافت عباسی بر مبنای نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر». **مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ**، سال هفتم، شماره‌ی بیست و پنجم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۷۳-۹۶.
- کانپوری، عبدالرزاق (۱۳۴۸). **برمکیان**. ترجمه سید مصطفی طباطبایی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- کندی، محمدبن یوسف (۱۹۰۸). **الولاه و کتاب القضاء**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود (۱۳۶۳). **زین الاخبار**. به تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- لاپیدوس، ایرام (۱۳۸۷). **تاریخ جوامع اسلامی**. ترجمه علی بختیاری‌زاده. چاپ دوم. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ماوردی، علی بن محمد (۱۳۸۳). **آیین حکمرانی**. ترجمه حسین صابری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مرعشی، میرسید ظهیرالدین (۱۳۴۵). **تاریخ طبرستان و رویان و مازنداران**. به کوشش محمد حسین تسیحی. تهران: موسسه مطبوعاتی شرق.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۸۷). **تاریخ سلسله‌های محلی ایران**. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- نیستانی، جواد و تقوی، عابد: «مکان‌یابی پادگان‌های نظامی طبرستان در صدر اسلام (براساس منابع مکتوب)». **دانشنامه علوم اجتماعی**. دوره ۱، شماره ۴، ۱۳۸۹، صص ۱۴۳-۱۲۸.
- همدانی، ابن فقیه: **مختصر البلدان: بخش مربوط به ایران**. ترجمه محمدرضا حکیمی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. بی تا.
- یعقوبی، ابن واضح: **تاریخ یعقوبی** (۱۳۴۳)، ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. چاپ دوم.
- Album, Stephen: **Checklist of Islamic Coins**, Third Edition, Published by Stephen Album Rare Coins, 2011.
- Abu-L-Faraj, Muhammad: **Rare Islamic Coins: Additions, Near Eastern numismatics, iconography, epigraphy, and history: studies in honor of George C. Miles**, Beirut: American University of Beirut, 1974.

- Bates, Micheal: Arab- Sasanian, *Encyclopedia Iranica*, Vol. II, 1986, pp. 225-229.
- Malek, Hodge Mehdi: *The Dabuyid Ispahbads and Early Abbasid Governors of Tabaristan: History and Numismatics*, Royal Numismatic Society, 2004.
- Malek, Hodge Mehdi: *The Dābōyid Ispahbads of Tabaritān*, AJS 5-6, 1993-94, pp. 105-160.
- Miles, George: *Rare Islamic Coins*, New York: the American Numismatic Society, 1950.
- Nastich, Vladimir: *A Survey of the Abbasid Copper Coinage of Transoxiana*, 3rd Simone Assemani Symposium on Islamic Coins, 2012.
- Lane pool, Stanley: *Catalogue of the Collection of Arabic coins Preserved in the Khedivial Library at Cairo*, London: B. Quaritch. , 1857
- Levy, Reuben: *The Social Structure of Islam* (Being the Second Edition of the Sociology of Islam), Cambridge University Press, 1957.
- Lowick, Nicholas: *Early Abbasid Coinage: A Type Corpus*, Edited by Elizabeth Savege, British Museum Press, 1980.
- Shams Esharagh, a: *Silver Coinage of the Caliphate*, Spink & Son, London, 2010.
- Vardanyan, Aram: *Hārūn al-Rashid's accession to the throne and the 'Abbasid administration in "Armīniyya" as reflected in sources*, Based on the Proceedings of the International Conference "Two Centuries of Islamic Numismatics in Russia. General Results and Prospects", the State Hermitage Publishers, 2017.
- Walker, John: *A Catalogue of the Arab Sasanian Coins*, British Museum, Printed by Order of the Tustees, 1941.

References in English

- Abu-L-Faraj, M.1974. Rare Islamic Coins: Additions, Near Eastern numismatics, iconography, epigraphy, and history: studies in honor of George C. Miles. American University of Beirut, Beirut. **(Book)**
- Album, S. 2011. Checklist of Islamic Coins. 3th Ed. Album Rare Coins. **(Book)**
- Āmulī, Ū. 1934. Tārīkhī Rūyān. M. Sutūdiḥ. (Edition & Annotation). Bunyādi Farhangi Īrān, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- A'zamī Sangsarī, Č. 1973. Sikihāyi Ṭabaristān, Gāwbārgān wa Ḥukkāmi Khulafā. Barrisī Hāyi Tārīkhī, (44&45): 153-194. **(Journal)**
- Balādhurī, A.Y. 1988. Futūḥ al-Buldān. 2nd Ed. Ā. Ādharnūsh. (Translator). M. Furūzān. (Editor). Surūsh, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Bartold, V.V. 1973. Turkistān Nāmih. K.Kiṣhāwarz. (Translator). Bunyādi Farhangi Īrān, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Bates, M. 1986. Arab- Sasanian, Encyclopedia Iranica, Vol. II, 225-229. **(Encyclopedia)**

- Malek, H.M. 1993-94. The Dābūyid Ispahbads of Tabaristān, AJS (5&6): 105-160. **(Journal)**
- _____ 2004. The Dabuyid Ispahbads and Early Abbasid Governors of Tabaristan: History and Numismatics, Royal Numismatic Society. **(Book)**
- Biyhaḳī, A.M.H. 1979. Tārīkhi Biyhaḳī. ‘A.A. Fayāz. (Editor). Firdūsī University, (n.p). (In Persian) **(Book)**
- Dīniwarī, A.A.D. 1967. Akhbār al-Tiwāl. Ş. Nash’at. (Translator). Bunyādi Farhangī Īrān, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Farkhund Zādih, M. 2014. Hākimiyati Khilfati ‘Abāsī bar Mabnāyi Nazārīyih Iktidāri Sunatīyi Max Webber. Iranian Association of History, 7(25): 73-96. **(Journal)**
- Gurdzī, A. ‘A.Z.M. 1984. Zayin al-Akhhār. ‘A. Ḥabībī. (Editor). Duniyāyi Kitāb, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Ḥādītabr, M. 2015. Gūnih Shīnāsī Sīkihāy Tarāzi Sāsānī Tabaristān. The history of Islamic culture and civilization, (21): 119-142. **(Journal)**
- Hamidānī, I.F. (n,d). Mukhtṣar al-Buldān; The Section about Iran. M.R. Ḥakīmī. (Translator). Bunyādi Farhangī Īrān, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Ibn ‘Athīr, ‘I. A. ‘A. 1991. Tārīkhi Kāmil. Vol. 5, 7, 9. M.H. Rūhānī. (Translator). Asāṭīr, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Isfandyār, B.M.H. 2010. Tārīkhi Tabaristān. Vol. 1. ‘A. Iqbal Āshṭīyānī. (Editor). Asāṭīr, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Tagharī Bardī, Dj.A. 1999. Al-Nudjūm al-Zāhirih fi Mulūki Miṣr wa al-Ḳāhirih. Ministry of Culture and National Guidance, Cairo. (In Arabic) **(Book)**
- Iṣfihānī, H.H. 1967. Tārīkhi Payāambarān wa Shāhān. Dj. Shu‘ār. (Translator). Bunyādi Farhangī Īrān, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Khānd Mīr. 1954. Tārīkhi Ḥabīb al-Sīyar f Akhbāri Afrādi Bashar. Vol. 2. Khayām Library, (n, p). (In Persian) **(Book)**
- Kānpūrī, ‘A. 1969. Barmakīyān. S.M. Ṭabāṭabāī. 5th Ed. Sanā‘ī Library, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Kindī, M.Y. 1908. Al-Wulāh wa Kitāb al-Ḳazā. Dār al-Kutub al-‘Ilmīyih, Beirut. (In Arabic) **(Book)**
- Lane Pool, S. 1857. Catalogue of the Collection of Arabic coins Preserved in the Khedivial Library at Cairo, London. **(Book)**
- Lapidus, I.M. 2008. Tārīkhi Djawāmi‘i Islāmī. ‘A. Bakhtīyārī. (Translator). Iṭilā‘āt, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Levy, R. 1957. The Social Structure of Islam (Being the Second Edition of the Sociology of Islam), Cambridge University Press. **(Book)**
- Lowick, N. 1980. Early Abbasid Coinage: A Type Corpus. E. Savege. (Editor). British Museum Press. **(Book)**
- Mar‘shī, M.S.Z. 1966. Tārīkhi Tabaristān wa Rūyān wa Māzandarān. M.H. Tasbīhī. (Editor). Sharḳ, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Māwirdī, ‘A.M. 2004. Āīni Ḥukmrānī. H. Şābirī. (Translator). ‘Ilmī& Farhangī, Tehran. (In Persian) **(Book)**

- Mihrābādī, M. 2008. Tārīkhī Silsilih Hāyi Maḥālīi Īrān. Duniyāyi Kitāb, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Miles, G. 1950. Rare Islamic Coins the American Numismatic Society, New York. (**Book**)
- Nastich, V. 2012. A Survey of the Abbasid Copper Coinage of Transoxiana. 3rd Ed. Simone Assemani Symposium on Islamic Coins. (**Book**)
- Niyistānī, Dj. , ‘Ā. Taḳawī. 2010. Makānyābi Padighnāyi Nizāmīi Ṭabaristān dar Ṣadri Islām. The Encyclopedia of Social Science, 1(4): 128-143. (**Encyclopedia**)
- Pākzādīyān, H. 1999. Tārīkh wa Gāhshumrī dar Sikihāy Ispahbadān wa Ḥukkāmi ‘Arab dar Tabaristān. Pākzādīyān, (n.p). (In Persian) (**Book**)
- Rabino, Y.L. 1963. Ḥukkāmi Khilafati ‘Arab dar Ṭabaristān from 18-328 A.H. Pazhūhishāhi Hāyi Tārīkhī, Faculty of Humanity, Tabriz University. (64): 41-60. (**Journal**)
- _____ 1986. Māzandarān wa Istarābād. Gh. Waḥīd Māzandarānī. (Translator). ‘Ilmī& Farhangī, (n, p). (In Persian) (**Book**)
- Rizāi Bāgh Bīdī, H. 2014. Sikihāy Īrānī dar Dūriyi Islām. 1st. Samt, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Salāmī, H.A. 2011. Akhbār Wulhi Khurāsān. M.‘A. Kāzīm Biygī. (Translator). Mīrāṭhi Maktūb, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Shams, E. 2010. Silver Coinage of the Caliphate. Spink & Son, London. (**Book**)
- Shams Ishrāq, ‘A. 1990. Nukhustīn Sikihāy Impirātūrīyi Islām. Istāk Cultural Services, Isfahan. (In Persian) (**Book**)
- Ṭabarī, M.Dj. 1975. Tārīkhi al-Rusul wa al-Mulūk. Vol.10-13. A. Pāyandih. (Translator). Asāṭīr, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Spuler, B. 2007. Tārīkhi Īrān dar Ḳurūni Nukhustīni Islāmī. Vol.2. M. Amīr Aḥmadī. (Translator). ‘Ilmī & Farhangī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Vardanyan, A. 2017. Hārūn al-Rashid’s accession to the throne and the ‘Abbasid administration in “Armīniyya” as reflected in sources, Based on the Proceedings of the International Conference “Two Centuries of Islamic Numismatics in Russia.General Results and Prospects”. The State Hermitage Publishers. (**Book**)
- Walker, J. 1941. A Catalogue of the Arab Sasanian Coins. The Trustees, British Museum. (**Book**)
- Yaḳūbī, I.W. 1964. Tārīkhī Yaḳūbī. 2nd Ed. M.I. Āyatī. (Translator). Tardjumih wa Nashr, Tehran. (In Persian) (**Book**)

Study of the Governance of Abbasid Rulers in Tabaristan Based on Chronology of Coins and Written Sources¹

Fatemeh Gholizadeh²

Hasan Karimian³

Javad Neyestani⁴

Seyed Mehdi Mousavi Koohpar⁵

Safoura Borumand⁶

Received: 26/02/2018

Accepted: 23/07/2018

Abstract

Tabaristan was conquered during Al-Mansour (158-137 AH) after one and a half centuries of resistance to the Arabs. From then on Tabaristan was managed by Abbasid Governors. Our

¹. DOI: 10.22051/hph.2018.19254.1199

². PhD Candidate in Tarbiat Modares University, (Corresponding author);
fatemehaban@gmail.com

³. Associated Professor, Department of Archeology, University of Tehran;
hkarimian@ut.ac.ir

⁴. Associated Professor, Department of Archeology, University of Tarbiat Modares;
jneyestani@modares.ac.ir

⁵. Associated Professor, Department of Archeology, University of Tarbiat Modares;
m_mousavi@modares.ac.ir

⁶. Assistant Professor, Institute of History, Institute for Humanities and Cultural
Studies; s.borumand@ihcs.ac.ir

knowledge of the governors of the province is primarily based on historical sources and Arab-Tabaristan coins. Despite the information that is available from Abbasid governors in various sources, determining the precise timing of each and every one of them due to the inconsistency of written texts with numismatic evidences is a challenge for the researchers. The purpose of this research is to answer this question that what are the reasons of the difference between the information extracted from the sources and from the Abbasid coins in Tarbristan? To answer this question, a descriptive-analytical approach has been used. The results of the studies indicate that the political and social turmoil during this period, due to the dissatisfaction of the local people and Ispahbads in the region, as well as the administrative hierarchy of the Abbasids, led to the permanent dismissal and appointment of governors by the Abbasid Caliphs, which could be a reason for incomplete or sometimes mistaken reporting in historical texts. Therefore, coins can be considered as the most important resources and means for establishing the chronology of the rule of Abbasid governors. As the result of present study, in addition to finding an answer to the reasons for the heterogeneity in the chronology of the government of governors, a new and accurate list of the governors in Tabaristan is presented.

Key Words: Arab-Sasanid Coins, Arab-Tabaristan Coins, Abbasid Governors.